ضیاءالدین دری در گفت‌وگو با «شهروند» از حضور مؤثر وزارتخانه‌ها در سینما می‌گوید

سینما هنوز صنعت سودآوری نیست

زهرا نجفی

عکس: مهدی حسنی/ شهروند

چندی پیش بود که علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌همراه علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اهالی سینما دیدار کردند. دیداری که در آن تفاهمنامه‌ای میان وزارت‌کار و خانه‌سینما امضا شد. بر مبنای این تفاهمنامه، وزارت‌کار متعهد شد تا در ساخت پنج فیلم سینمایی و چند مستند که به موضوعاتی در رابطه با کار توجه داشته‌اند، مشارکت کند. اتفاقی که برای اهالی سینما نوید حضور سرمایه‌گذاری جدیدی داشت. البته از این دست دیدارها پیش‌تر هم اتفاق افتاده بود. نمونه‌اش دیدار عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر با اهالی سینما که در پاییز سال ۹۳ روی داد. هرچند وزیر کشور در آن دیدار از هنرمندان حاضر خواست تا هرچه بیشتر به موضوعاتی درباره اعتیاد و قاچاق موادمخدر بپردازند؛ اما درنهایت اتفاق چشمگیری نیفتاد. وعده‌های آن جلسه هرگز عملی نشد. به همین دلیل بر آن شدیم تا به سراغ اهالی سینما برویم و نظرشان را درخصوص این اتفاق بدانیم. این‌که اگر دیگر وزرای کابینه هم چنین اقدامی کنند چه‌تغییراتی در سینمای ایران رخ خواهد داد. ضیاءالدین دری، کارگردان پیشکسوت سینما و تلویزیون، غلامرضا موسوی تهیه‌کننده قدیمی سینما و فرزاد موتمن کارگردان سینما، ۳ سینماگری هستند که به‌سراغشان رفتیم و آنها درباره این تفاهمنامه حرف‌هایی داشتند که در ادامه می‌خوانید.

نظر شما درباره حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خانه‌سینما چیست؟

در وهله اول حضور آقای ربیعی برای ما مبهم بود. نمی‌دانستیم دلیل حضور ایشان در خانه‌سینما چیست؛ اما بعد از این‌که سخنان او را شنیدیم، متوجه شدیم آقای ربیعی تنها به حوزه تعاون، کار و رفاه اجتماعی اشراف ندارند، بلکه در دیگر حوزه‌ها از جمله سینما هم فردی باسواد و آگاه است.

شما تفاهمنامه‌ای که میان این وزارتخانه و خانه‌سینما امضا شد و بر آن اساس قرار است حمایت‌هایی از ساخت فیلم‌های سینمایی صورت بگیرد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظرتان این اتفاق چه تاثیری روی سینما دارد؟

تفاهمنامه‌ای که میان ما یعنی خانه‌سینما و وزارت‌کار امضا شد، آن‌طور که من از قرائت آن متوجه شدم، پروتکل قابل‌اعتنایی بود. چراکه طبق آن وزارت‌کار پذیرفته است در ۵ فیلم سینمایی به تناسب موضوع سرمایه‌گذاری کند. درصد این همکاری را هم اعلام کردند، ولی نتوانستم آن را به حافظه‌ام بسپارم، نمی‌دانم ۵۰درصد بود یا ۲۵ درصد. اما همین مقدارش هم به نظر اتفاق نیکو و قابل‌اعتنایی است. همین که وزارت‌کار تصمیم گرفته در ساخت کارهایی که با موضوعاتی همچون کار، تلاش، ابداع، ابتکار، مقاومت، فرهنگ کار و همت‌عالی مشارکت داشته باشد، خودش جای تقدیر و تشکر دارد. به‌خصوص که برای وزارتخانه حتی متعهد شده در ساخت مستندهایی هم که با این موضوعات مرتبط هستند، همکاری کند. ما باید این وزیر کارآمد و اقدامش را تشویق کنیم و برای آن خوشحال باشیم. چون همین تفاهمنامه یعنی به ساخت ۱۰ فیلم در سینمای ایران مساعدت می‌شود و پتانسیلی در سینمای ایران به وجود می‌آید که می‌تواند موجی از امید را به همراه داشته باشد.

فکر می‌کنید اگر دیگر وزرای کابینه، یعنی ۲۰ وزیر دیگر هم در ادامه حرکت علی ربیعی، وزیر کار دست به چنین اقدامی بزنند چه تغییراتی در سینمای ایران اتفاق می‌افتد؟

اتفاقا هم آقای جنتی و هم آقای ربیعی به چنین موضوعی درمیان صحبت‌هایشان اشاره کردند. به‌هرحال متاسفانه سینما هنوز در کشور ما صنعت سودآوری نیست و محدودیت بودجه عامل دیگری شده تا فیلم‌هایمان را با حداقل بودجه بسازیم. طبیعی است که در چنین شرایطی ما تنها می‌توانیم فیلم‌های معمولی از ده‌درصدترین قصه‌ها بسازیم. امروزه در سینمای ایران نوعی فیلم ساخته می‌شود که به فیلم‌های آپارتمانی معروف شده و این نوع فیلم محصول همین شرایط بودجه است. شاید آپارتمان‌نشینی هم بخشی از زندگی اجتماعی امروزه ما باشد؛ اما دلیل نمی‌شود فیلمسازان ما تنها سراغ این موضوع بروند و به‌دلیل کمبود بودجه و امکانات، مسائل دیگری که در جامعه ما اتفاق می‌افتند را رها کنند.

باید امیدوار باشیم از آنجایی که در کابینه دولت آقای روحانی، وزرای فرهیخته دیگری هم مانند آقای ربیعی وجود دارند که می‌توانند از محل تبلیغات یا روابط‌عمومی و مسائل فرهنگی وزارتخانه‌شان قسمتی را به سینما اختصاص دهند. ضمن این‌که در این مشارکت حتما اهداف آن وزارتخانه مورد توجه قرار بگیرد.

نکته جالب دیگری هم در صحبت‌های آقای ربیعی بود، ایشان گفتند ما یک تفاهمنامه ۳ ساله را امضا کردیم؛ اما منظورمان این نیست که فیلم‌های سفارشی برای وزارت کار ساخته شود. این‌که وزیری دارای چنین درکی است، جای تقدیر دارد. به‌عنوان مثال ما باید به شرایط اقتصادی و تولیدی کشور توجه داشته باشیم. زمانی که کارخانه‌های ما به‌خاطر تحریم یا درحال تعطیل‌شدن هستند یا با کمترین ظرفیت به حیات خودشان ادامه می‌دهند و مجبور هستند خودشان را کوچک کنند، نمی‌توانیم فیلمی سفارشی بسازیم و در آن از این اوضاع تعریف و تمجید کنیم. بلکه ما باید فیلمی درباره کارآفرینی بسازیم که به وزارت کار در بهبود فرهنگ کار کمک کند. چرا که پیش از این جامعه ما عادت به دریافت سوبسیدهای دولتی داشته و این فرهنگ که مردم خودشان هم می‌توانند در راه‌اندازی مشاغل دستی داشته باشند هنوز به درستی جانیفتاده است. در این راستا مثلا ما می‌توانیم داستانی درباره جوانی تحصیلکرده را در قالب فیلم به نمایش بگذاریم که به دلیل همین تورم حاکم بر جامعه تاکنون نتوانسته شغلی برای خودش پیدا کند. در نتیجه دست به اختراع ساده‌ای می‌زند. او برای شیشه‌های شیر نوزادان دری اختراع می‌کند که هنگام به خواب رفتن نوزاد از ورود شیر به گلویش جلوگیری کند تا بدین نحو کودکان شیرخوار از خطر خفگی درامان باشند. بعد همین اختراع سبب کارآفرینی برای عده دیگری از جوانان می‌شود.

فیلم‌ها می‌توانند تاثیرگذار باشند و فرهنگ کار، ابتکار و اندیشیدن را در جامعه به حرکت دربیاورند. زمانی که ما می‌بینیم جوانی به‌جای روی‌آوردن به اعتیاد، کار خلاف و... با همه مشکلات موجود دست به کارآفرینی زده است و برای خودش شغل آبرومندی دست و پا کرده، می‌توانیم این ایده و اندیشه را به جوانانمان منتقل کنیم که خودشان هم می‌توانند با تلاش، کاری مفید برای جامعه انجام دهند. در کنار آن از راه درست و سالمی هزینه زندگی خود و خانواده‌شان را به دست آورند. این فیلم‌ها در گام اول می‌تواند اشاعه‌دهنده امید و فرهنگ اندیشیدن باشند.

من پیش‌بینی می‌کنم تا یکی، دوسال آینده وضع اقتصادی مملکت بهتر خواهد شد و ما به ثبات و آرامش خواهیم رسید. با ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور شرایط بهتری برای وضع شغلی مردم فراهم می‌شود. خوشبختانه وزیر کار هم تشخیص می‌دهد که ما با امضای این تفاهمنامه نمی‌خواهیم طوری تبلیغ شود که گویی همه‌چیز سر جای خودش است. ما در سینما در پاسخ به جامعه جویای کار می‌توانیم با طرح درست مضامین اجتماعی و جدی، اطلاعاتی را در اختیارشان قرار دهیم. شاید بخشی از انتظاراتی که ما از وزارت کار داریم، اصلا جزو شرح وظایف این نهاد نباشد و همین بتواند باری را از روی دوش این وزارتخانه بردارد. در ادامه این فیلم‌ها وارد شبکه نمایش خانگی می‌شوند و از تلویزیون هم به نمایش در می‌آیند. در نتیجه مخاطبان آن فقط به سینما محدود نمی‌شود.

عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور و دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر در پاییز سال ۹۲ به خانه‌سینما آمد و در آن‌جا ضمن پخش فیلم‌هایی درباره اعتیاد و قاچاق موادمخدر از سینماگران خواست تا فیلم‌های بیشتری در این‌باره بسازند. او همچنین وعده داد که از چنین فیلم‌هایی حمایت خواهد کرد. با این حال در ادامه اتفاق چشمگیری نیفتاد. به‌نظرتان چقدر مکتوب شدن حمایت‌های مسئولان همانند تفاهمنامه میان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و خانه‌سینما در به‌نتیجه رسیدن آن می‌تواند موثر باشد؟

البته مضامینی مثل اعتیاد که بارها و بارها در سینما مورد توجه فیلمسازان قرار گرفته‌اند. چون بخش فعالیت‌های نیروی انتظامی در این زمینه همیشه جزو موضوعات جذاب برای سینمای ما بوده است و به همین دلیل راحت‌تر می‌شود درباره آن صحبت کرد. برای همین حتی اگر خود دبیرکل ستاد مبارزه با موادمخدر یا نیروهای انتظامی پلیس اعلام نکنند که به فیلم‌هایی درباره این موضوعات کمک می‌کنند، خود فیلمسازان به سراغ اعتیاد، موادمخدر و قاچاق خواهند رفت. بهتر است آنها برای آن‌که به نتیجه برسند به فیلمسازان بگویند که ما به ۷ فیلمی که نگاه اصولی و درستی به این مقولات دارند، کمک می‌کنیم.

می‌توانم بگویم یک‌سوم تولیدات کل سینمای ایران از بعد از انقلاب اسلامی درباره اعتیاد و موادمخدر بوده است. با این حال متاسفانه فیلم‌های آنچنان موفقی در این زمینه ساخته نشده که شما با چند لحظه تأمل آن را به یاد بیاورید. معمولا فیلم‌های متوسطی در این زمینه ساخته شده و دقیقا این همان موضوعی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

یعنی زمانی که ارگان یا سازمانی به این باور رسید که باید در زمینه فیلمسازی درخصوص اهداف آن ارگان با سازمان خاص سرمایه‌گذاری کند، باید با مسئولان و تولیدکنندگان خانه‌سینما گفت‌وگو کنند تا اتفاق درستی برای آن بودجه بیفتد. مثلا زمانی که وزارت صنایع تصمیم گرفت به ساخت چند فیلم در این خصوص کمک کند باید حداقل دو کارشناس مسلط به امور سینمایی از طرف این وزارتخانه حضور داشته باشند و توضیح بدهند که وزارت صنایع دوست دارد مسائلش چگونه در سینمای کشور مطرح شود و در مورد مسائل جذابی که در این حوزه امکان به تصویر کشیده‌شدن دارند به فیلمسازان اطلاعاتی دهند. این اتفاق باید با وجدان کاری از سوی فیلمسازان اتفاق بیفتد که وزارتخانه‌ها از سرمایه‌گذاری‌شان پشیمان نشوند. ما به‌عنوان سینماگر باید خودمان در ارتباط با تحقیقات، پژوهش و به اجرا درآوردن اهداف و خواسته‌های آن ارگان مسئول بدانیم. چون اگر بودجه وزارت ارشاد کم است، بودجه باقی وزارتخانه‌ها هم آنچنان زیاد نیست. آنها تنها از محل تبلیغات و امور فرهنگی وزارتخانه‌شان می‌توانند مبلغی را به ساخت فیلم اختصاص دهند. طبیعی است که در مقابل هم خواسته‌های خودشان را مطالبه می‌کنند. اگر ۲۰ وزارتخانه دیگر، با مبلغی حدود ۳میلیارد به ساخت ۵ فیلم کمک کنند، خودش منجر به سرمایه‌گذاری ۶۰ میلیاردی و تولید صد فیلم درسال می‌شود. با این اتفاق بیکاری در سینمای ایران از بین می‌رود و ما از شر فیلم‌های عجولانه و آپارتمانی رها می‌شویم. فیلمسازان هم مجبور می‌شوند از خانه‌نشینی و قضاوت از راه دور دست بردارند و به تحقیق روی بیاورند. به این نکته هم توجه کنیم اگر وزارتخانه قول داد مثلا به ساخت ۵ فیلم کمک کند، از او برای همان ۵ فیلم بازخواست نکنیم. چون ممکن است اصلا فیلمنامه مناسبی درباره موضوعات و اهداف آن وزارتخانه در یکسال تولید نشود یا دو فیلمنامه خوب به دست‌شان برسد.

شما چه راهکاری را توصیه می‌کنید تا چنین فرصت‌هایی تبدیل به فضای رانت برای عده محدودی نشود؟

ما قبلا هم چنین فضایی را با وزارت نفت تجربه کرده‌ایم. ایشن وزارتخانه در دوران جنگ در حوزه سینما سرمایه‌گذاری کرد و درواقع تنها وزارتخانه‌ای است که بعد از انقلاب تجربه تولید فیلم را تاکنون داشته است. در آن زمان یعنی طی دهه اول و دوم بعد از انقلاب این وزارتخانه فیلم‌های سینمایی مختلفی را تهیه کرده اما دقیقا اشکال کار این بود که تنها عده خاصی می‌توانستند از بودجه این وزارتخانه استفاده کنند. اگر کسان دیگری برای ساخت فیلمشان به وزارت نفت مراجعه می‌کردند، جوابی نمی‌گرفتند. برای همین هم هست که وزارت نفت در ادامه نتیجه خوبی نگرفت. آنها می‌خواستند فقط با کسانی که خودشان دوست دارند کار کنند. خودشان تأیید می‌کردند، پرداخت می‌کردند و چنین فضایی سبب شد تا رقابتی اتفاق نیفتد، در نتیجه حاصل خوبی هم نداشت.

همه ما تنها از زمان ورود آقای ربیعی به خانه‌سینما از چنین تفاهمنامه‌ای آگاه شدیم. بنابراین حداقل ۵ یا ۶ ماه طول می‌کشد تا فیلمنامه مناسبی به دست این وزارتخانه برسد. ما باید به تفاهمنامه وزارت کار خوشبین باشیم چون همان‌طور که مشاهده کردیم در آقای ربیعی چنین خصوصیاتی وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد چنین وزیر فرهیخته‌ای نیروهایی را به کار می‌گمارد که قدرت تشخیص خوبی داشته باشند. ما نباید از اتفاق افتادن چنین تفاهمنامه‌ها و اقداماتی بترسیم، تنها کافی است با پیشگیری‌های لازم و تیزبینی جلوی به‌وجود آمدن فضای رانت و سوءاستفاده عده‌ای را ببندیم.

البته بعضی از فیلمسازان هستند که تنها می‌خواهند کار کنند، برایشان مهم نیست درباره چه یا چگونه کار کنند. برای همین است که بدون کوچکترین علاقه‌ای به موضوع یا داشتن انگیزه‌ای به سراغ مراکزی که بودجه فراهم می‌کنند، می‌روند. همین فیلمسازان هستند که فضای ساخت فیلم‌های سفارشی را به‌وجود می‌آورند. فیلم‌هایی که درنهایت آنچنان که باید و شاید با کیفیت و چشمگیر از آب در نمی‌آیند.

وزارت کار باید تمام متن‌هایی که به دستش می‌رسد را رزیابی کند، با اشخاص به صورت رو در رو گفت‌وگو کند تا بفهمد اساسا افراد متقاضی این بودجه‌ها چقدر در جریان سازوکار و اهداف این وزارتخانه هستند. اگر فیلمسازی به وزارت کار مراجعه کرد و پرسید شما چه می‌خواهید، باید همان‌جا او را رد کنند. چون این تقاضا به این معنی است که به من سفارش دهید. اما نه زمانی می‌رسد که من داستانی را در مقابل وزارت کار قرار می‌دهم که ۱۰ ویژگی در ارتباط با کار و تلاش در آن وجود دارد، سپس از آنها می‌پرسم آیا خواسته شما با داستان من هم‌راستا است؟ همخوانی دارد؟ اگر چنین بود، سرمایه‌گذاری در آن کار را قبول کند. ما باید به این موضوع توجه کنیم که این وزارتخانه نباید در انتها از نتیجه سرمایه‌گذاری‌اش ناراضی باشد، حتی سال‌های بعد دیگر رغبتی برای ادامه سرمایه‌گذاری‌اش در این زمینه نداشته باشد.

وزیر کار دلمشغولی‌های فرهنگی دارد

غلامرضا موسوی | تهیه‌کننده سینما

چندی پیش بود که آقای ربیعی، وزیر کار برای دومین‌بار به خانه سینما آمد. البته او به همراه وزیر ارشاد، علی جنتی برای دیدار نوروزی با هنرمندان به خانه سینما آمد. دیداری که قطعا اقدامی مثبت بود. اصولا آقای ربیعی، آدم فرهنگی است. این موضوع را تنها با نگاهی به کتاب‌هایی که تاکنون نوشته می‌توان فهمید. کتاب‌هایش نشان می‌دهند او دلمشغولی‌هایی در زمینه مسائل فرهنگی و هنری دارد.

در همه جای دنیا، وزارتخانه‌های مختلف، به‌خصوص آنهایی که با نیروی انسانی در ارتباط هستند با حوزه هنر در ارتباط هستند. با این حال وجود شخصیت‌های فرهنگی نظیر آقای ربیعی باعث خوشحالی و به وجود آمدن اتفاقات خوبی می‌شود.

البته ناگفته نماند که آقای ربیعی در مسئولیت خود شان به‌عنوان وزیر تعاون، کار و رفاه‌اجتماعی تاکنون عملکرد خوبی داشته‌اند؛ نمونه‌اش همین بیمه‌هایی که راه افتاده است. درست است که سیر روند این اتفاقات زیاد نیست؛ اما باید توجه کنیم که مشکلات مالی هم در این زمینه کم نیستند. برای همین این اقدامات به تنهایی خوب هستند

با حضور وزیر کار در خانه سینما، تفاهمنامه‌ای میان وزارت کار و خانه سینما امضا شد. تفاهمنامه‌ای که در آن وزارت کار اعلام کرده از تولید پنج فیلم‌سینمایی حمایت خواهد کرد. البته پیشنهادات در این زمینه از طریق هیأت‌مدیره خانه سینما باید به شورای عالی تهیه‌کنندگان ایران ارجاع داده شود. چون این شورا تمام مسائل مربوط به تهیه‌کنندگی را نمایندگی می‌کند.

فیلم‌هایی که وزیر کار علاقه‌مند به مشارکت در آنهاست با فیلم‌های سفارشی تفاوت دارد. فیلمساز خودش فیلم دلخواهش را می‌سازد و اگر در این فیلم نکاتی بود که به وزارت کار مربوط می‌شد، این وزارتخانه از تولید این فیلم حمایت خواهد کرد. هرچند که این اقدام بسیار خوب است؛ اما امیدوارم آقای ربیعی با سعه‌صدر بتواند آن را بیشتر اجرایی کند. ما شورایعالی تهیه‌کنندگان سینما، به عنوان صنف تهیه‌کننده آماده هستیم تا مسئولیت این پنج فیلم را برعهده بگیریم.

چراکه آقای فضلی، وزیر کشور هم پیش از این با پیشنهاداتی به خانه سینما آمده بودند؛ اما عملا هیچ‌کدام از آنها عملی نشد. انتظار داشتیم بتوانیم دیدار او را که به‌عنوان میهمان به خانه سینما آمده بود، بازپس دهیم. سال پیش ما حتی نمایندگانی را از طریق معاونت سینمایی برای عضویت در آن هیأت مورد نظر آقای فضلی معرفی کردیم. اما هیچ‌اتفاقی در این زمینه نیفتاد.

البته گمان نمی‌کنم برای تفاهمنامه وزیر کار چنین اتفاقی بیفتد چون او خودش هم دلمشغولی‌های فرهنگی دارد. حضور او متفاوت است با جمعی که بیشتر به نظر می‌آمد به صورت اتفاقی حاضر شده‌اند.

کیفیت زایده کمیت است. طبیعتا اگر شما بتوانید کاری کنید تا هنرمند و فیلمساز کمتر دلمشغولی مسائل سرمایه را داشته باشند، بهتر می‌توانند کار کنند و این موضوع به نفع هنر و فرهنگ کشور است. پس از آن هم تولیدات‌تان منطقی‌تر می‌شود.

همه این تفاهمنامه‌ها باید دارای آیین‌نامه‌ای باشد و شورایی داشته باشد تا با حضور خود وزیر بر آنها نظارت کند. همچنین باید کسانی در پروسه استفاده از این حمایت به نتیجه برسند که پیشنهادات بهتری برای ساخت فیلم دارند. همیشه این نگرانی وجود دارد که چنین حمایت‌ها و بودجه‌هایی، محفلی برای گروهی خاص شود. با این حال ما نباید به خاطر ترس از چنین اتفاقی جلوی چنین اقداماتی را بگیریم.

آیا جریان سومی در مجلس شکل می‌گیرد

فرزاد موتمن | کارگردان سینما

در یکی دو برخوردی که با آقای ربیعی، وزیر کار داشتم، از صحبت‌هایش متوجه شدم که او شخصیت فرهنگی دارد. آقای ربیعی اهل ادبیات و شعر است، حتی زمانی که از نویسنده‌های مورد علاقه‌اش صحبت کرد، برایم خیلی عجیب بود که از غلامحسین ساعدی هم نام برد. همه اینها نشان می‌دهد که او افق دید گسترده‌ای دارد. به شکلی که اجازه می‌دهد حتی هنرمندی که نگرش فکری و ذهنی‌اش با او همخوانی ندارد، تاثیرآتش را بگذارد. بنابراین به نظرم علاقه شخصی آقای ربیعی در اقدامات اخیرش در حوزه سینما بسیار تاثیرگذار بوده است. او متوجه است که سینمای ایران، سینمای دولتی است و اکثر فیلمسازان ایرانی با مشکل بی‌پولی روبه‌رو هستند. به همین دلیل هم ترغیب شده تا از امکانات وزارتخانه‌اش کمک‌هایی به این سینما کنند.

این نخستین باری است که می‌بینم وزیری یعنی کسی که در حوزه متفاوتی وزارتخانه دارد، چنین علاقه‌مندی‌ای به سینما نشان می‌دهد. امیدوارم او سرمشق دیگر وزرا و مسئولان قرار بگیرد تا شاید آنها هم از امکاناتی که در اختیارشان هست، کمکی به سینمای ایران کنند. کمک‌های وزارت کار از دو حیث قابل توجه است؛ اول آن‌که این کمک‌ها باعث می‌شود تا عده‌ای از اهالی سینما که بیکار هستند، دوباره مشغول به کار شوند. دوم آن‌که سبب پیدایش مسائل کار و کارگری در قصه‌های فیلم‌های ایرانی می‌شوند.